

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح مطالعاتی چشمه

خلاصه فصل هنگام تربیت - «مسئولیت و سازندگی»

❖ فصل دهم: هنگام تربیت

❖ صفحه ۳۳۱ تا ۳۵۷

✓ چه کسی؟ چگونه؟ با که؟ در چه وقت و در چه موقعیت می‌تواند، مسئولیت خویش را بهتر انجام بدهد؟
✓ پس از ارزیابی و شناسایی و آشنایی و دوستی و جذب و صمیمیت و زمینه سازی و آمادگی دادن، نوبت پرداختن و ساختن و از روش‌های مستقیم و غیر مستقیم استفاده کردن است. از استدلال و برهان گرفته تا نمونه‌ی عملی و داستان. آن روش‌ها و برنامه‌ها، مادام که با این شرایط و زمینه‌ها همراه نباشند نتیجه‌ای نمی‌دهند.

✓ ۱. ارزیابی و شناسایی:

در زمینه‌ی مجهول و در تاریکی نمی‌توان تیر انداخت و نمی‌توان با نسخه‌ی از پیش ساخته، با مریض رو به رو شد. طبیب با آگاهی‌هایی همراه است و علامت‌هایی را می‌شناسد. آنچه می‌توان از پیش تهیه کرد، همین اطلاعات و آگاهی‌هاست، نه نسخه نوشتن‌ها و دارو دادن‌ها.

- برای شناسایی زمینه‌ها می‌توان از : علامت‌ها، برخوردها و تجربه‌ها، لطافت‌ها و نورانیت‌ها، استفاده کرد.

علامت‌ها: بر اثر کار و تجربه و بر اثر آموزش و تعلیم و مداومت و دقت شناخته می‌شوند.

برخوردها: آن‌جا که علامتی در دست نیست و یا علامت‌ها مبهم و غیر مشخص هستند باید یک احتمال را آزمایش کرد. که با خطرهایی همراه است.

لطافت‌ها: بر اثر حرکت‌های فکری و عقلی و حرکت روحی و حرکت عملی، در انسان نیروهای تازه‌ای به جریان می‌افتد و بینش‌ها و دیدها و نفوذها و دقت‌های جدیدی شکوفا می‌شوند.

✓ ۲. آشنایی و دوستی:

- روحيات گوناگون:

بعضی‌ها در نگاه اول آشنا هستند، بعضی‌ها هم این دمخوری و آشنایی را ندارند، دسته‌ای دیگر خشن و ناهم‌رنگ‌اند و...

- و این خشونت و آن پیچیدگی، از معاشرت‌های خشن و پیچیده، از محیط‌های جغرافیایی خشن و متلاطم، از رنج‌ها و ناراحتی‌های روانی، از وراثت و از تغذیه مایه می‌گیرند.

- آشنایی با این دسته‌ها و روحیه‌ها راه‌های گوناگونی می‌خواهد. این روحیه‌های گوناگون و متضاد، راه‌های دوستی متفاوتی می‌خواهند: سلام، معاشرت، پذیرش، بی‌اعتنایی و همراهی، طرح سوال و سکوت

- البته این راهها، کلیت و عمومیت ندارند و همه جا به کار نمی آیند. هر کدام از این راهها باید با ملاکها و میزانهایی که از آنها سخن گفته ایم **سنجیده شوند** که کدام یک رشد و باروری را به دنبال می آورند و کدام غرور و کبر و خودخواهی را.

✓ ۳. جذب و صمیمیت:

- کسانی که **راههای درازی** در پیش دارند و به **همراههای زیادی** نیاز دارند، اینها با شروع دوستی، به پرورش آن روی آورند. اینها می خواهند با هر وسیله، طرف را **صیقل** بدهند.
- اینها برای محکم شدن **گیرههای دوستی**، راههای زیادی را تجربه می کنند، هرگاه نتیجه ای ندیدند دوستی را قطع می کنند. اینها بی حساب دوست نمی شوند و بی حساب به دوستی ادامه نمی دهند.
- تألیف قلبها، انفاقها، اطعامها، زیارتها، عیادتها، خدماتها و محبتها، صلهی رحمها، مداراها و تسامحها، حلمها و تحملها، اخلاق و نرمشها، همه و همه، **گیرههایی** هستند برای **سازندگی** و راههایی هستند برای تربیت. کسانی که در این کارها هدفی نداشتند، نمی توانستند سنگینی عظیم آن را تحمل کنند و ناچار رهایش کردند. و آنهایی هم که این گیرهها را رها نکردند، با همین **بی باری** مسخش نمودند. تألیف قلبشان شد **رشوه و باج**. و انفاقشان، **بت سازی** و...

✓ ۴. زمینه سازی:

- اکنون نوبت زمینه سازی و ایجاد آمادگی است. آخر آنها که خود را از حرفها و مطالعهها **انباشته** کرده اند و **پُر** خورده اند، باید از آن همه **خالی** بشوند. بعضیها **واقعاً تشنه** هستند و طالب؛ اینها را **معتل نباید کرد** که می میرند.
- **زمینه سازی** خود **مراحلی** دارد: از پاک کردن و خالی نمودن، از شکستن مانعها و غرورها؛ با ضربهها و سؤالها، از **شخصیت دادن و به آزادی رساندن و به تفکر وادار کردن**.
- زمینه سازی و ایجاد آمادگی، همیشه در یک لحظه و یک برخورد بدست نمی آید و به زمان نیاز دارد.
- آنجا که **چند نفر با هم** کار می کنند و **مرید بازی و مرید سازی در کار نیست**، بهتر و زودتر می توان نتیجه گرفت؛ چون **یکی** می تواند **گیره** باشد و **دیگری سوهان**.

✓ مرور

- ما مسئولیم؛ چون داریم و چون تواناییم. مسئولیت بر اساس توانایی است، نه آگاهی. (و نوع مسئولیت ما وابسته به اهمیت کارها و ضرورت نیازها و استعداد و توان ماست).
- در این قرن وحشی، شدیدترین نیازها، جهت دادن و شکل دادن و کشف کردن استعدادهاست. نیاز رهبری کردن و تربیت نمودن است.
- تربیت اسلامی این چنین تربیتی است که: همراه آزادی؛ از جبرها، از اسارتها، از خود آزادی / و آموزش تدبیر و تفکر؛ مطالعه کردن و از مطالعهها نتیجه گیری نمودن / و یادآوری، به استعدادها و نیازها و بازارها و خریدارها / و تدبیر نه فقط در کتاب، که در تمام آیهها و حادثهها / و تفکر؛ در انسان، در هستی، در تاریخ و تعقل و سنجش در هدفها و محبوبها و راهها و وسیلهها تا آن هدفها، همراه اینها انسان را برای انتخاب و اتخاذ، آماده می سازد. و آموختن اینکه؛ چگونه با همین روشی که خود ساخته

شده، به سازندگی بپردازد. با چه کسانی کارش را شروع کند و می آموزد که در برابر روحیه های گوناگون چه موضعی داشته باشد.

- در مرحله ی تجربه، این روش به **اشکال** برمی خورد و گرفتار **سؤال های پی در پی و تردید** می گردد ؛ که آیا ایمان از شناخت بدست می آید؟ که آیا شناخت و ایمان از تفکر بدست می آیند؟ و..
- آن ها که خود قدرت تحلیل دارند، از این سؤال ها و استبعادها نمی هراسند. با **نگاه عمیق به استعداد های انسان** می فهمیم که تمام استعدادها با یکدیگر هماهنگ می شوند. با درک زیبایی و خوبی و شناخت فایده و نفع، احساس ها و عشق ها و طلب ها در ما سبز می شوند، فکر و عقل و عشق با یکدیگر هماهنگ می شوند.
- با **فکر**، **شناخت** ها سبز می شوند و **حرکت** ها شروع می شوند. **فکر** همچون بذری است که به آبیاری و پاسداری نیاز دارد. فکر، **ذکر** می خواهد و یادآوری. و فکر و ذکر، **عهد** می خواهد. فکر و ذکر در ما شناخت هایی را سبز می کنند، البته ضعیف. عمل هایی را به دوش می گیرند، البته نه چندان بزرگ. ولی با عمل و حرکت، همان شناخت ها و عشق ها نیرومندتر می شوند و به یقین می رسند. (این گونه مسائل به دنبال می آیند: **فکر ذکر عهد عمل یقین شهود تسلیم**.)
- هنگامی که در یک مرحله سستی کنیم و در یک مرحله **شکر** نداشته باشیم، به مرحله ی دیگر نمی رسیم. و این پیداست که ایستایی و درنگ و رکود، گنبدگی دارد و خستگی و تنهایی و مرگ.
- با **مقایسه ی خود با روح های بزرگ**، می توانیم تفاوت ها را ببینیم، که این ها **مرض های** ما هستند. با **شناخت نیاز های عظیم و استعداد های بزرگ**، **همت و عشق** به سلامت در ما جان می گیرد و این است که دنبال درمان می رویم و داروی خویش را حتی از بیابان ها جمع آوری می نماییم.